

نگاهی به آنچه این روزها در رویارویی‌های دیپلماتیک می‌گذرد

# حواشی «گروسی» در سفر به تهران

گروسی در تهران

هم از پرونده فعالیت‌های هسته‌ای به عنوان یک اهرم و برکه بازی استفاده خواهد کرد.
باین‌حال چون فضای چهار ماه گذشته تأثیرات منفی روی موضوع برجام گذاشته است، از دیدگاه امینی، نه اروپا و آمریکا و نه ایران تمایلی به دادن امتیاز به همدیگر ندارند.
به همین دلیل مفسر حوزه سیاست خارجی اذعان دارد که اختلافات پادمانی و نیز مذاکرات هسته‌ای به یک انبساط رسیده است.
در سایه آنچه مطرح شد این کارشناس اعتقاد دارد: «بسیار بعید است که تهران در وضعیت کنونی با انجام سفر گروسی موافقت کند».
حتی اگر این موافقت صورت گیرد و شاهد حضور گروسی باشیم، از منظر امینی، لزوماً به معنای حصول توافق یا حل اختلافات پادمانی ایران با آژانس نخواهد بود.
با این جمله، تحلیلگر سیاست خارجی در پایان بخش گفت‌وگو با «شرق» تصریح می‌کند: «هم انجام سفر رافائل گروسی به تهران در تاریخ‌های متعدد تغییر و تأخیر ایجاد می‌کند و هم روند احتمالی حل اختلافات ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی یک روند زمان‌بر، فرسایش و منوط به سیر فشارها بر ایران خواهد بود».

این در حالی است که حمید اسماعیلی، ارزیابی متفاوتی از جواد امینی دارد و بر این باور است که چون در چند ماه گذشته فشار تقریباً بی‌سابقه‌ای از نظر دیپلماتیک و سیاسی روی ایران شکل گرفته است؛ بنابراین تهران برای تعدیل این فضای ضد ایرانی به دنبال حل اختلافات پادمانی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود؛ اما این کارشناس هم مانند امینی اعتقاد دارد که تهران به‌سادگی حاضر به حل اختلافات پادمانی با آژانس نخواهد بود. مگر آنکه روند فشار علیه ایران شکسته شود.
به این معنا تحلیلگر حوزه برجامی به یک رویارویی سیاسی و دیپلماتیک از جانب تهران اعتقاد دارد.
در تبیین بیشتر و دقیق‌تر این رفتار سیاسی و دیپلماتیک ایران، اسماعیلی یادآور می‌شود که تهران، همین‌و روند حل اختلافات پادمانی با آژانس و دادن امتیازات در حوزه فعالیت‌های هسته‌ای را منوط به روند «تعدیل یا تشدید فشار» به خود می‌کند و هم از آن سو سعی می‌کند یک پروسه زمان‌بر با گروسی را برای نمایش یک چهره دیپلماتیک و اهل‌گفت‌وگو و مذاکره با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در دستور کار قرار دهد.

با وجود نکاتی که مطرح شد این تحلیلگر حوزه سیاست خارجی به سرفصل جدیدی ورود می‌کند و در تشریحش به «شرق» می‌گوید که چون برخی فشارهای داخلی به‌ویژه از نظر اقتصادی و معیشتی بر دولت سیزدهم زیاد شده و در کنار آن فشارها در حوزه سیاست خارجی در حال تشدید است، بنابراین از دید اسماعیلی، ایران سعی خواهد کرد روند رو به مثبتی را هم با غرب در زمینه احیای برجام و هم با آژانس در رابطه با حل اختلافات پادمانی در پیش بگیرد.
اما هر دو روند منوط به آن است که فضای ضد ایرانی کنونی تعدیل شود، چراکه از نگاه این کارشناس اگر تهران در شرایط فعلی امتیازی به آژانس بدهد، صرفاً یک گزاره را تقویت می‌کند، «پذیرش تهران به ضعف دیپلماتیک» و این واقعیتی که ایران هم بر آن واقف است و به همین دلیل اسماعیلی در تکمیل‌گفته‌های خود یادآور می‌شود که تهران از دادن «امتیاز مفت» که نشان‌دهنده ضعف سیاست خارجی و رفتاری از سر ناچاری است، خودداری می‌کند.

البته این کارشناس نکته مهم‌تری را هم گوشزد می‌کند مبنی بر اینکه اگر روند فرسایشی کنونی با آژانس کم‌کام ادامه پیدا کند و اختلافات پادمانی به همین منوال باقی بماند، در نشست فصلی شورای حکام وضعیت ایران بیچیده‌تر و بغرنج‌تر خواهد شد.
این بغرنج‌ترشدن وضعیت برای تهران از نگاه مفسر حوزه برجامی به قدری جدی است که می‌تواند پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران را از شورای حکام به شورای امنیت ارجاع دهد یا در یک سناریوی دیگر به آغاز



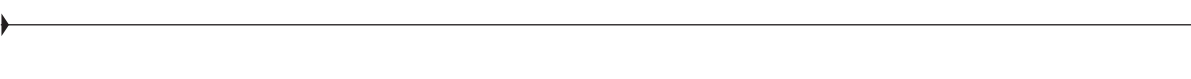
روند حقوقی فعال‌شدن مکانیسم ماشه منجر شود؛ ازاین‌رو اسماعیلی با این جمله گپ‌وگفتش با «شرق» از پایان می‌دهد که «این شبیه قرارگرفتن در منگنه است، چون نه می‌توان امتیاز مفتی به غرب داد و نه می‌توان وضعیت کنونی را تا نشست شورای حکام به درازا کشاند؛ بنابراین باید دید که ایران چه رفتاری از خود نشان می‌دهد؟!».

**چرخش باین‌د از احیای برجام به فشار بر چین**

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در یک نشست خبری ضمن پاسخ به سؤالی درباره صادرات نفت ایران، بار دیگر با یک ادعا ایران را مقصر بی‌نتیجه‌ماندن مذاکرات برجامی در وین دانست.
ند پرایس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا، در یک نشست خبری در پاسخ به درخواست توضیح بیشتر درباره اظهارات اخیر رابرت مالی، نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، مبنی بر تلاش آمریکا برای جلوگیری از واردات نفت ایران توسط چین، گفت: «ما به طور منظم و سرسختانه مشغول اجرای تحریم‌هایمان هستیم که شامل تعاملات منظم و مؤثر با متحدان و شرکایمان درباره کسانی است که سعی می‌کنند این تحریم‌ها را دور بزنند».

پرایس افزود: «تمرکز اصلی ما در زمینه اجرای تحریم‌هایمان روی چین متمرکز است که بزرگ‌ترین مشتری نفتی ایران محسوب می‌شود. ما به طور منظم با چین و دیگر کشورها در ارتباطیم تا آنها را از اقداماتی در رابطه با ایران که ممکن است ناقض تحریم‌های آمریکا باشد، بر حذر داریم. ما اقدامات تحریمی را از قبل اعلام نمی‌کنیم اما به رصد صادرات نفت ایران و تعامل با شرکای تجاری آن در زمینه احتمال مواجهه با تحریم‌های آمریکا ادامه می‌دهیم».
سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در ادامه به تحریم‌های اعمال‌شده بر برخی شرکت‌ها که به ادعای او با «صادرات قاچاقی» نفت مرتبط بوده‌اند، اشاره کرد.

توضیح پرایس درباره اظهارات مالی، در پی این مطرح می‌شود که او در گفت‌وگویی با شبکه بلومبرگ بیان کرد: «آمریکا با تلاش برای به‌اجرادآوردن تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، فشار بر چین را جهت متوقف‌کردن واردات نفت از ایران افزایش خواهد داد».
مالی با ادعای اینکه «چین مقصد اصلی صادرات قاچاق ایران است»، اظهار کرد: «مذاکرات برای منصرف‌کردن چین از خریداری نفت ایران شدت خواهد گرفت».
او گفت: «آمریکا اقداماتی را که لازم باشد برای جلوگیری از صادرات نفت ایران و ممانعت از خریداری آن توسط دیگر کشورها انجام خواهد داد».
نماینده ویژه آمریکا در امور ایران تأکید کرد: «ما هیچ‌یک از



و دفاعی بود که بعد از انقلاب نامش به اکو تغییر کرد و یک رویکرد اقتصادی هم به خود گرفت، اما چون واقعا در این مدت یک عزم راسخ در عرضه سیاست خارجی وجود نداشته است و همه ادعاها مبنی بر همکاری با کشورهای همسایه در حد شعار باقی مانده، طبیعی است که نمی‌توانیم از ظرفیت سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای نیز به نحو شایسته و قابل دفاعی استفاده کنیم و همه چیز به قول شما در حد سفر، دیدار، رایزنی و گفت‌وگو باقی خواهد ماند.
واقعا سازمان اکو بهترین جایگاهی است که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به صورت چندجانبه یک روند سراسر منفعت را برای کشور رقم بزند، اما به‌واقع در سایه برخی کم‌کاری‌ها، اکو اکنون سازمانی است که نتوانسته به اهداف تعریف‌شده خود در حوزه توسعه‌ای دست پیدا کند.

♦ **پس شما مشکل را محدود به ایران نمی‌بینید؟**

به‌هیچ‌وجه.
نه‌تنها ایران، بلکه هیچ‌کدام از اعضای این سازمان نتوانسته‌اند به صورت جدی برای تقویت توان اقتصادی در این سازمان و توسعه تجارت منطقه‌ای‌گام مؤثری بردارند؛ چون هیچ‌کدام از اعضا در این رابطه فعال ظاهر نشده‌اند و متأسفانه سازمان اکو اکنون به بهانه‌ای تبدیل شده است که سران و وزرای امور خارجه عضو تحت عنوان آن در یک پایتخت عضو جمع می‌شوند تا چند دیدار و سخنرانی داشته باشند و همه رایزنی‌ها هم یک کلی‌گویی و طراحی‌های مبهم را شامل می‌شود.
درصورتی‌که اگر بخواهیم دقیق‌تر و جزئی‌تر نگاه کنیم، اعضای این سازمان به جای اینکه روندی چندجانبه را داشته باشند، به صورت دوجانبه مناسبات اقتصادی پررنگ‌تری با هم دارند.
دراین‌باره کافی است به ظرفیت آماری اقتصادی و تجاری ۱۰ کشور عضو اکو نگاه کنیم.
به نظر من اعضا حتی از ۱۰ درصد توان و پتانسیل اقتصادی خود در توسعه سازمان اکو استفاده نمی‌کنند؛ یعنی ۹۰ درصد اقتصاد اعضا در مناسبات دوجانبه و مستقل از سازمان اکو در حال پیگیری است.
پس می‌بینید مشکل تنها محدود به ایران نیست.

♦ **آیا مسئله صرفاً به نبود اراده بازمی‌گردد یا روند کنونی در دستورات دیپلماتیک قدرت تأثیرگذاری در عرصه سیاست خارجی را از ایران گرفته است که بتواند نقشی جدی در پیمان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند اکو ایفا کند؟**

بدون‌شک نمی‌توان فشارهای چند ماه اخیر را هم نادیده گرفت. البته این فشارها قبل از این هم وجود داشته است؛ چون تحریم‌ها یکی از عوامل جدی بوده که اجازه نمی‌داد دیپلماسی ایران در منطقه از تحرک لازم به‌ویژه در حوزه اقتصادی و تجاری برخوردار شود.
در سطحی کلان‌تر این یکی از مهم‌ترین موانعی بوده که در چند دهه گذشته سیاست خارجی را با محدودیت مواجه کرده است.
به هر حال ایران از دو مزیت بسیار پررنگ برخوردار است؛ اول وضعیت ژئوپلیتیک بسیار مناسب و ظرفیت ترازینتی و دوم، مسئله انرژی.
در حوزه انرژی تنها ایران و ترکمنستان هستند که در میان ۱۰ عضو سازمان اکو توان صادرات انرژی دارند…

**ادامه در صفحه ۳**

شرق: حسین امیرعبداللهیان برای شرکت در بیست‌وششمین اجلاس شورای وزیران سازمان همکاری منطقه‌ای (اکو) در تاشکند، روز سه‌شنبه عازم ازبکستان شد.
نکته شایان توجه این بود که این سفر هم مانند ادوار پیشین به چند دیدار، رایزنی، گفت‌وگو و ایراد سخنرانی محدود شد.
با در نظر داشتن این نکته، اساساً انجام این سفرها در سال‌های اخیر به یک رویه مرسوم بدل شده است، بدون آنکه دست‌آورد عملی و ملموسی را برای تحقق هرچه بیشتر منافع ملی در پی داشته باشد.
به همین دلیل «شرق» در گفت‌وگویی با محمدابراهیم رحیم‌پور، ذیل یک نگاه آسیب‌شناسانه سعی کرده است چرایی ناکامی سیاست خارجی دولت در ادوار مختلف و دلایل عدم استفاده درست از ظرفیت پذیرش ایران در پیمان‌ها، نهادها و سازمان‌های دوجانبه و چندجانبه منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را کالبدشکافی کند.
آنچه در ادامه می‌خوانید، حاصل گپ‌وگفت با معاون آسیا، اقیانوسیه و مشترک المنافع وزیر امور خارجه و سفیر سابق ایران در اتریش و هند است.

حسین امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه در نشست خبری در تاشکند



نگیریم.
رغبت به این معناست که باید روندی درست، منطقی، واقع‌بینانه و عقلانی، هم در حوزه سیاست داخلی و هم حوزه سیاست خارجی و اقتصادی شکل بگیرد تا به واسطه حضور در سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، کشورهای عضو نه در یک رویه احساسی، بلکه بر اساس هزینه و فایده به سمت سرمایه‌گذاری در داخل کشور مشتاق شوند.
وقتی یک کشور منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای ببیند سرمایه‌گذاری خارجی در ایران جواب می‌دهد، طبیعی است که این میل برای سرمایه‌گذاری شکل خواهد گرفت.
پس باز هم به گفته نخست‌خود بازمی‌گردم که قرار نیست اگر در داخل کشور وضعیت نامساعد باشد، نتوانیم از اهرم سیاست خارجی و عضویت در سازمان‌ها، نهادها و پیمان‌های

شما عضویت ما در هر پیمان، نهاد و سازمانی تنها به یک سفر، چند دیدار، رایزنی و سخنرانی، چه در سطح سران و چه در سطح وزرای امور خارجه محدود خواهد شد و نمی‌توانیم از ظرفیت آنها به نحو شایسته برای رسیدن به منافع ملی استفاده کنیم.

♦ **ولی جناب رحیم‌پور بسیاری معتقدند این دو نگاه از یکدیگر متضاد هستند و نمی‌توان آنها را در راستا و مکمل هم دانست.**

خیر این‌گونه نیست.
برای تأیید گفته‌های خودم کافی است به بنگلادش نگاهی بیندازیم.
این کشور در دوره‌ای کاندیدای جدی برای پذیرش در سازمان اکو بود؛ چون دلایلش آن بود که این کشور قسمتی از پاکستان بوده است.
به هر حال کشور بنگلادش تا پیش از این، اقتصاد چندان قوی‌ای نداشت.
ساختار اقتصادی، صنعتی، تولیدی، کشاورزی، دامپروری، گردشگری، تورسیم و خدمات آن به قدری بحرانی بود که کمتر کسی تصور می‌کرد این کشور بتواند در حوزه اقتصادی تحرکی جدی داشته باشد؛ چون جمعیت کثیر این کشور در فقر به سر می‌برد.
اما اگر اکنون به وضعیت اقتصادی بنگلادش نگاه کنید، تقریباً می‌توان گفت شاهد یک معجزه اقتصادی در این کشور هستیم.
واقعا وضعیت بنگلادش اعجاب‌انگیز است؛ یعنی بنگلادش با همان ناتوانی داخلی در حال حاضر به یک رشد اقتصادی بالا دست پیدا کرده است.
یکی از راه‌های تحول اقتصادی در بنگلادش، این بود که این کشور علی‌رغم وضعیت نامساعد داخلی از مسیر پذیرش در پیمان‌ها، سازمان‌ها و توافق‌های منطقه‌ای توانست به رشد سرمایه‌گذاری خارجی در کشور دست پیدا کند.
بنابراین قرار نیست اگر وضعیت داخلی نامساعد باشد، ما نتوانیم از اهرم سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی استفاده کنیم.
البته همه اینها مشروط به این است که در داخل کشور هم شرایط به‌گونه‌ای شکل بگیرد که کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی رغبت به سرمایه‌گذاری در داخل کشور پیدا کنند.

♦ **رغبت در شرایط کنونی ایران مؤثر است؟**

رغبت به معنای دوست‌داشتن و تمایل نیست؛ این را اشتباه

♦ **در سایه سفر حسین امیرعبداللهیان به ازبکستان برای حضور در اجلاس وزرای امور خارجه کشورهای عضو سازمان اکو در تاشکند، به نظر می‌رسد این سفر هم مانند دیگر سفرهایی از این دست، به برگزاری چند دیدار، رایزنی، گفت‌وگو و سخنرانی محدود شد. در نتیجه، این سؤال اکنون پررنگ‌تر می‌شود که چرا تهران نمی‌تواند به معنای واقعی کلمه از این ظرفیت‌ها استفاده کند؟ در یک ارزیابی آسیب‌شناسانه دو نگاه هم وجود دارد: نگاه اول قائل بر این است که ایران سعی دارد در سایه تلاش برای عضویت در پیمان‌ها، سازمان‌ها و توافق‌های چندجانبه و بین‌المللی برای خود یک وزن سنگین‌تر سیاسی، دیپلماتیک و دست‌آورد تجاری و اقتصادی تولید کند و دسته دوم به‌عکس بر این باورند که ایران باید با تقویت توان داخلی در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و دیپلماتیک، به یک وزن درخور توجه در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی دست پیدا کند تا در سایه آن بتواند از مسیر حضور در پیمان‌ها و سازمان‌ها به یک دست‌آورد برسد.
به‌واقع کدام نگاه می‌تواند درست و نزدیک به واقعیت باشد؟**

من فکر نمی‌کنم این دو نگاه نافی و متضاد هم باشند که بخواهیم یکی را انتخاب کنیم.
اتفاقا هر دو نگاه در طول هم و مکمل یکدیگر هستند؛ یعنی اگر ایران می‌خواهد در پیمان‌ها، سازمان‌ها و توافق‌های چندجانبه موفق ظاهر شود و به دست‌آورد مهمی به‌ویژه در حوزه اقتصادی و تجاری دست پیدا کند، تقویت توان سیاسی، دیپلماتیک و اقتصادی را در داخل کشور رقم بزند و به قول شما به یک وزن هم‌بند منطقه‌ای و جهانی دست پیدا کند.
در عین حال عکس آن هم صادق است؛ یعنی قرار نیست اگر وضعیت در داخل کشور مساعد نباشد، نتوانیم از ظرفیت پیمان‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای برای بهبود وضعیت خود استفاده کنیم.
باین‌حال، نکته اینجاست که تحقق این مسئله منوط به آن است که یک عزم و اراده سیاسی و دیپلماتیک جدی برای بهره‌برداری هرچه بیش‌تر از توان و ظرفیت این سازمان‌ها و پیمان‌ها در عرصه سیاست خارجی شکل بگیرد، وگرنه به قول